

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹

بررسی انتقادی نسخه‌های دیوان خاقانی و اثبات اصالت نسخه لندن (با تکیه بر ویژگیهای سبکی،

لغوی و زبانی خاقانی و اشارات و تلمیحات دیوان خاقانی)

(ص ۲۸۴-۲۶۵)

یعقوب نوروزی (نویسنده مسئول)^۱، سیف‌الدین آب‌برین^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده:

دیوان خاقانی، از آثار گرانسنگ ادبیات فارسی بوده و نسخه‌های مختلفی از آن در دست است. این اثر، تاکنون چندین بار تصحیح شده و هر کدام از این تصحیحات، نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند. از علل نبود تصحیح علمی و منقح از این دیوان، عدم شناخت نسخه اصل یا نزدیک به اصل دیوان خاقانی بوده است. این عامل و عدم تلاش برای شناخت نسخه اصل بر اساس معیارهای علمی متن‌شناسی و نسخه‌شناسی، سبب شده تا مصححان ضبط‌هایی را از نسخه بدل‌های دیوان، جایگزین کرده و در مواردی با درک متن شناسانه و ذوق خاقانی‌شناسی خود، متن را تصحیح کنند که سبب خطا در ضبط و تصحیح شده است. در این مقاله تلاش بر آن است تا اصالت و اعتبار نسخه‌های دیوان خاقانی، با پژوهشی در ویژگیهای سبکی، لغوی و زبانی خاقانی و انطباق این ویژگیها در نسخ متفاوت و همچنین اشارات و تلمیحات متفاوت در دیوان خاقانی و دقت و صحت ضبط و بی‌دقتی و دخل و تصرف کاتبان، مورد ارزیابی قرار گیرد. با بررسی علمی و انتقادی نسخ دیوان خاقانی از این لحاظ، روشن می‌گردد که اصالت و اعتبار نسخه لندن (نسخه ل)، بیشتر از دیگر نسخ است و با اعتماد به این نسخه، می‌توان تصحیح علمی و انتقادی و منقح از دیوان خاقانی ارائه داد.

کلمات کلیدی: دیوان خاقانی، تصحیح، نسخه‌شناسی، واژه‌ها و ترکیبات، اشارات، تلمیحات

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران

noruziyagub@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران/

drabbarin@yahoo.com

مقدمه:

پشتوانه فرهنگی گسترده، طبع نوجو و تخیل غنی خاقانی با آفرینش مضامین، تصاویر، و ترکیبات بدیع و غریب، اشارات مختلف علمی، تاریخی، اساطیری، دینی، فرهنگ عامه، تلمیحات غریب و ویژگیهای خاص زبانی و سبکی، سبب شده اشعار او و به ویژه قصایدش، دشواریها و پیچیدگیهای خاصی داشته باشد. از این روی، نا سخنان نتوانسته اند به درستی به کتابت اشعار او پردازند و خواسته (تصرفات) یا ناخواسته (لغزشها) ضبط‌های نادرستی را وارد متن کرده‌اند. این دخل و تصرف‌ها سبب شده تا اختلافات زیادی بین نسخ دیوان خاقانی وجود داشته باشد و این عامل، شناسایی نسخه اصل یا نزدیک به اصل را برای اهل ادب و مصححان دیوان خاقانی دشوار ساخته است. پیراستن دیوان خاقانی از این دخل و تصرف‌های نابجا و لغزشهای کاتبان و شناسایی و شناساندن نسخه اصلی دیوان خاقانی، فعالیتی است که میتواند ما را در خاقانی‌شناسی و آشنایی با ابعاد هنر وی یاری دهد. با بررسی علمی و تجزیه و تحلیل موشکافانه شعر خاقانی می‌توان به این مهم، دست یافت و دخل و تصرفات و تحریفات کاتبان را مورد شناسایی قرار داد. رویکرد این چینی به متن دیوان خاقانی، ما را در شناخت نسخه اصلی نیز یاری میدهد. چرا که با دقت و تأملی در ضبط‌های نسخه‌های دیوان خاقانی؛ نسخه لندن (ل) ۱، نسخه مجلس (مج) ۲، نسخه کتابخانه پاریس (پا) ۳ و نسخه کتابخانه تهران (ط) ۴ و بررسی علمی و سبک‌شناسی و زبانی و لغوی و زیبایی شناسانه ضبط‌های نسخه‌های مذکور، میتوان اصال و ارجحیت ضبطها و به تبع آن اصال و اعتبار نسخه را تشخیص داد و همچنین علل تصرف در ضبطها را نیز روشن ساخت.

بیان مسئله، هدف و روش تحقیق

بخشی از ضبط‌های نادرست در دیوان خاقانی و لغزشها در ضبطها، ناشی از عدم آشنایی کاتبان با ویژگیهای زبانی خاقانی و لغات و ترکیبات و اصطلاحات به کار رفته در شعر خاقانی است. کاتبان در دوره‌های مختلف، واژه‌هایی را که نامأنوس بوده‌اند با واژه‌های آشنا جایگزین کرده‌اند و عدم

۱. نسخه «ل» متعلق به کتابخانه بریتیش میوزیوم لندن است. این نسخه، قدیمترین نسخه تاریخ دار از دیوان خاقانی است که در دست داریم. زیرا تاریخ آن که در ورق آخر نوشته شده (۶۶۴هجری) است.
۲. این نسخه، متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی که به شماره ۹۷۶ در فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس ثبت است. این نسخه دارای ۷۳۰ صفحه است که رویهمرفته ۱۷۰ صفحه آن تازه است و با اصل نسخه بسیار اختلاف دارد.
۳. متعلق به کتابخانه ملی پاریس، شرح این نسخه، بشماره ۱۸۱۶ ضمیمه در فهرست بلوشه آمده است. بلوشه تاریخ کتابت آن را در حدود ۸۰۰ هجری میداند.
۴. نسخه «ط»، چاپ تهران که در سال ۱۷-۱۳۱۶ در تهران بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی به چاپ رسیده است. دارای ۹۴۴ صفحه با متن و حاشیه، ۳۵ صفحه فهرست اعلام و یک مقدمه مختصر در شرح حال.

درک معنای برخی واژه ها سبب خطا در ضبط و دخل و تصرف بوده است. آنچه ما را در انتخاب ضبط ارجح در بعد زبانی، یاری میدهد، آشنایی با زبان شعر خاقانی و لغات و ترکیباتی است که در دوره شاعر و دوره های زمانی نزدیکه او، رواج داشته است. فی المثل در این مورد میتوان از دیوانهای شاعران همعصر شاعر و پیش از او سود جست. علاوه بر این در این مورد میتوان از دیوان خود شاعر نیز استفاده کرد؛ چرا که برخی واژگان و ترکیبات در شعر یک شاعر به کرات آمده اند و همچنانکه دکتر مهدویفر نیز اشاره کرده اند: «بایسته ترین تمهید برای پیراستن دیوان خاقانی یاری جستن از شعر اوست (تصحیح چند تصحیف درقصاید خاقانی، مهدویفر: ۹۰) تحفه العراقین و منشآت شاعر نیز در این مورد میتواند سودمند باشد. در برخی از نسخه ها، کاتبان به سبب ناآشنایی با کنایات مشهور و ضرب المثلها، این اجزای زبانی را نیز تغییر داده اند که این عامل به شدت از اصالت این نسخه ها کاسته است. عامل مهم دیگری که سبب خطاهای بسیار در ضبطهای کاتبان شده، اشارات مختلف در شعر خاقانی و پشتوانه فرهنگی غنی شاعر است. کاتبان که اطلاعات کافی در علوم مختلف زمان شاعر از جمله طب، نجوم، فلسفه، کلام، تصوف و عرفان، دانش دین و باورهای دینی و مذهبی شاعر و آداب و رسوم زمانه شاعر، فرهنگ عامه و خرافات و بازیها و شیوه زندگی عصر شاعر و عناصر آن نداشته اند، اشارات و تلمیحات مختلف شاعر به این موارد را درک نکرده و در وسع دانش خویش به تغییر و تصرف در آن پرداخته اند و دچار لغزش شده اند. ضبط اصلی و نسخه اصیل دیوان خاقانی نیز نسخه ای است که این اشارات و تلمیحات و نکته ها در آن بدون دخل و تصرف کاتبان، حفظ شده باشد. با بحث و بررسی و ژرفکاوای در ویژگیهای زبانی و اشارات و تلمیحات مختلف و متعدد، روشن می شود که نسخه لندن (ل) در این دو مورد، اصیل ترین و معتبرترین نسخه دیوان خاقانی است و ضبط های این نسخه با توجه به ویژگیهای لغوی و زبانی و دقت در اشارات و تلمیحات مختلف شعر خاقانی، دقیقترین ضبط ها هستند و بر ضبط های دیگر نسخ، ارجحیت دارند و بر این اساس میتوان نتیجه گرفت، نسخه اصل یا نزدیک به اصل دیوان خاقانی نسخه لندن است که دکتر سجادی نیز بحق و عالمانه این نسخه را نسخه اساس خود در تصحیح دیوان خاقانی قرار داده است. ما در این مقاله برآنیم تا با انطباق و عدم انطباق ضبط های نسخ دیوان خاقانی با ویژگیهای زبانی و اشارات و تلمیحات شعر وی، ارجحیت ضبط ها و اصالت نسخه لندن را ثابت کنیم و کاستی ها و ایرادهای دیگر نسخ را در این زمینه مورد بررسی قرار دهیم.

روش کار ما در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه ای میباشد و تلاش شده است تا غالب اشعار خاقانی در این رابطه مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

پیشینه پژوهش:

تاکنون پژوهشی جدی در مورد نسخه‌شناسی خاقانی صورت نگرفته و تحقیق و پژوهشی که با روشی علمی و منتقدانه، نسخ دیوان خاقانی را مورد ارزیابی قرار دهد، انجام نگرفته است. از مطالعات ارزشمندی که در این مورد صورت گرفته می‌توان به مقالات دکتر مهدویفر اشاره کرد. مقاله «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس» و «شرح مشکلات دیوان خاقانی» و مقاله «تصحیح چند تصحیف در قصاید خاقانی» از مهدویفر و محمدرضا صالحی مازندرانی فعالیت‌هایی در زمینه نسخه‌شناسی خاقانیند. با اینهمه اگرچه روش نسخه‌شناسی در این مقالات علمی و منتقدانه است ولی انطباق این معیارهای علمی در نسخه‌شناسی، ایراداتی دارد و این شیوه سبب خطا در نتیجه‌گیری شده است. از مقالات دیگری که در زمینه ضبط‌های نسخ دیوان خاقانی و دقت و ارجحیت برخی نسخ نگارش یافته می‌توان به مقاله «تصحیح دو تصحیف از دیوان خاقانی» از سیداحمد پارسا، «تصحیح و تحلیل چند تصحیف در شعر خاقانی» نوشته دکتر عبدالرضا سیف و مجید منصور و مقاله «یک ممدوح ناشناخته خاقانی و نکته‌ای مهم درباره نسخه لندن» از دکتر محمدرضا ترکی و همچنین مطالب سودمند دکتر ترکی در وبگاه فصل فاصله در این مورد اشاره کرد.

بررسی و تحلیل:

۱- عدم آشنایی با زبان شعری خاقانی (لغات، ترکیبات، اصطلاحات)

یکی از عواملی که همواره سبب لغزش نسخه‌نویسان بوده، زبان و عناصر زبانی است. زبان به مثابه پدیده‌ای پویا و جاندار دائم در حال تغییر و دگرگونی است؛ همواره واژه‌های جدیدی بر آن افزوده شده و برخی واژه‌ها در طول سالها به فراموشی سپرده می‌شوند. کاتبانی که در قرون بعد به کتابت آثار می‌پردازند، بی اطلاع از این واژه‌ها و اجزاء زبانی، در آنها دخل و تصرف کرده و آن را به واژه‌هایی آشناتر تغییر می‌دهند. هروی در این باره مینویسد: «مثلا در روزگار نویسنده‌ای و یا سخنوری، کلماتی با شکل آوایی و گونه‌ای زبان رایج بوده یا از سوی اهل زبان ترک گردیده و هیات به کار گرفته آنها از جانب نویسنده و سخنور در زمان کاتب نامأنوس و ناشناخته بوده و کاتب در حین کتابت، جای اینگونه کلمات و مصطلحات را به واژه‌ها و اصطلاحات عصر که گاهی هیچ ارتباط معنایی با صورت اصلی نداشته پر کرده و به این صورت، اغلاط و تصرفاتی در دستنوشته اش روی داده است» (نقد و تصحیح متون، مایل هروی: ۷۹). بنابراین هرچه شکل کلمه غریبتر باشد، این احتمال که ضبط اصیل باشد، بیشتر است. این عامل، یکی از عواملی است که سبب ضبط‌های نادرست برخی نسخه‌های دیوان خاقانی بوده است؛ دانش کم زبانی و ادبی و اطلاعات شعری ناکافی سبب شده تا برخی از کاتبان، دخل و تصرف‌هایی در واژه‌ها و ترکیبات کاربردی شعر خاقانی داشته باشند. این کاتبان در بسیاری موارد دچار لغزش شده و در برخی موارد نیز آگاهانه و منطبق با ذوق

و دانش ناکافی خود تغییراتی در متن داده اند. این ضبط های نادرست، از اعتبار و اصالت این نسخه ها کاسته است.

«تنگ آمدن» به معنی «نزدیک آمدن و نزدیک شدن» (دهخدا، ذیل مدخل تنگ آمدن) از واژگان پرکاربرد در آثار منظوم و منثور سبک خراسانی و آذربایجانی است. در بیت زیر از نظامی گنجوی- شاعر هم ولایتی و معاصر خاقانی- این کلمه با این معنا به کار رفته است:

چو آمد به دروازه شهر تنگ ندیدش دری ز آهن و چوب و سنگ.
(کلیات خمسه: ۱۳۰۱)

در بیت زیر از خاقانی نیز این واژه در این معنا، به کار رفته است.

تنگ آمده ست زلزلت الارض هین بخوان بر مالها و قالت الانسان ما لها
(دیوان خاقانی: ۴)

هر سه نسخه «مج»، «ل» و «پا»، صریحا «تنگ آمدست» ضبط کرده اند، ولی کاتب نسخه «ط» به سبب ناآشنایی با ویژگیهای زبانی خاقانی و بی دقتی در سابقه کاربرد این کلمه، «نیک آمدست» ضبط کرده و به خطا رفته است.

در بیت زیر نیز عدم دقت در معنای واژه «غوغا»، سبب ضبط نادرست نسخه های «مج» و «پا» بوده است.

خروش و جوش تو از بهر بود و نابود است که از سر دو گروهیست شورش غوغا
(همان، ۱۲)

این دو نسخه «شورش و غوغا» با حرف عطف «و» ضبط کرده اند، حال آنکه غوغا در این بیت به معنای «اوباش و اراذل» میباید. غوغا به معنای «شورانگیزان، شورانگیز، رندان، جوشش، آشوبگران» (مقدمه الادب: ۲۴۴) نیز میباید. در تاریخ بیهقی در این معنا آمده است: «مشتی غوغا و مفسدان که جمع آمده بودند مغرور آل بویه را گفتند...» (تاریخ بیهقی: ۴۱)

در بیتی دیگر از خاقانی نیز همین کاربرد دیده میشود:

گفتی غوغای مصر طالب صاع زر ند صاع زر آمد به دست شد دل غوغا خرم
(دیوان خاقانی: ۲۶۱)

در بیت زیر نیز عدم درک معنای واژه، سبب کج فهمی کاتب نسخه «پا» و ضبط نادرست بوده است.

مرد بود کعبه جوی طفل بود کعب باز چون تو شدی مرد دین روی ز کعبه متاب
(همان، ۴۱)

این نسخه «کعبه باز» ضبط کرده که واژه ای نارایج است. «کعب باز» که ضبط نسخه «ل» و سایر نسخ بوده به معنای «کعب بازنده. غاب باز. قاب باز. آنکه با کعب بازی کند(دهخدا، ذیل مدخل کعب باز)، میباشند. «کعب بازی» از بازیهای مرسوم در عصر خاقانی بوده است.

در بیت زیر نیز عاملی که کاتب نسخه «مج» را دچار خطا کرده، عامل زبانی است.
 آسمان کو ز کبودی به کبوتر ماند بر در کعبه معلق زن و دروا بینند
 (دیوان خاقانی: ۹۸)

این نسخه با بی دقتی در معنای واژه «معلق زن»، ضبط «معلق زن» را برگزیده و به خطا رفته است. ضبط نسخه «ل» که قدیمترین نسخه دیوان خاقانی است، ارجح است. چرخ زن مترادف با معلق زن در بیت زیر از خاقانی نیز آمده است:

در و جد و حال همچو حمام است چرخ زن بر دیده نام عشق رقم کرده چون حمام
 (همان، ۳۰۱)

در بیت زیر، بی دقتی نسخه «مج» در معنای کلمه «سباق»، مایه لغزش بوده است.
 سحرگهی که یلان تیغ برکشند چو صبح بعزم رزم کنند از برای کینه سباق
 (همان، ۲۳۵)

سباق به معنای «پیشی کردن در دویدن و پیشی گرفتن» (نقل از دهخدا ذیل مدخل سباق) است. نسخه «مج»، «سباق» ضبط کرده که در ساختار بیت بی معناست. متشابه شکل بودن حروف این دو کلمه (تصحیف)، میتواند عاملی در تصرف ناآگاهانه کاتب نسخه «مج» باشد و از این لحاظ بی دقتی این نسخه و اصالت نسخه «ل» اثبات میشود.

ضبط معیوب نسخه «پا» در بیت زیر نیز ناشی از عدم فهم معنای لغت نامأنوس «نکبا» دارد.
 یادش آید که به شروان چه بلا برد و چه دید نکبتی کان پشه و باشه ز نکبا بینند
 (دیوان خاقانی، ۱۰۰)

نکبا «بادی که از سه طرف وزد و آن به غایت بد است خصوصاً در حق جهاز. (غیاث اللغات از منتخب اللغات). باد نامساعد» (معین، ذیل مدخل نکبا). این نوع باد، پرواز را برای پرندگان و سایر حشرات دشوار میکند. نسخه «پا»، باشه و نکبا ضبط کرده که نادرست است. اصالت ضبط نسخه «ل» در این مورد نیز نشان از اصالت و اعتبار این نسخه دارد. «نکبا» در بیت زیر از خاقانی نیز آمده است.

۵. لازم به ذکر است دکتر مهدوی فر در مقاله «تصحیح چند تصحیف در قصاید خاقانی» بی دقتی نسخه لندن را در این مورد اثبات کنند که با مثال مذکور و نمونه های دیگری که قابل ذکر است میتوان وجود این ویژگی را در نسخه مجلس نقض کرد.

جانم سـ تا نه تو رها چون کند چو دیو کو خر من بهشت بـ نکبا برا فـ کند
(همان: ۱۳۹)

در بیت زیر نیز کاتب نسخه «ط» به سبب عدم درک معنای ترکیب «تخته درندوخته اند» آن را
مبدل به «بخیه درندوخته اند» کرده که نادرست است.

بـ فلک تـ خـ تـ درندوخته اند چشم خورشید برندوخته اند
(همان، ۱۰۴)

در بیت زیر نیز، خورشید به مثابه نقاشی پنداشته شده که زمین را همچون فلک رنگ آمیزی
کرده است. نیرنگ به معنای «آنچه مرتبه اول نقاشان با انگشت و زغال نقش و طرح کنند و بکشند»
(برهان قاطع)(نقل از دهخدا، ذیل مدخل نیرنگ) میباشد.

نیرنگ زد زمین را شـ به فلک به جلوه پرگار زد هوا را قوس قزح به شـ هـ پـ
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۹۱)

لغزش کاتب نسخه «پا» در ضبط «رکاب عوان کشد» نیز ناشی از عدم درک معنای «رکاب گران»
بوده است. رکاب در بیت زیر در دو معنای «حلقه ی آهنی که بر دو سوی زین آویخته است»(نقل
از دهخدا) و «جام شراب» به کار رفته است.

میکشد عقل را به زیر رکاب چون رکاب گران کشند احرار
(دیوان خاقانی: ۱۹۶)

نسخه «پا» از معنای دوم رکاب اطلاع نداشته و ضبط اصلی را برای رسیدن به معنایی محصل از
بیت، تغییر داده است. «رکاب گران» معادل «رطل گران» است که در ابیات زیر از حافظ آمده است:
من و هم صحبتی اهل ریا دورم باد از گرانان جهان رطل گران ما را بس
(دیوان حافظ: ۳۶۳)

می خور که هر که آخر کار جهان بدید از غم سـ بیک برآمد و رطل گران گرفت
(همان، ۱۲۱)

«به زیر سلف نبودن» به معنای «وام دار کسی نبودن» میباید و سلف به معنای «وام» که در آن
وام دهنده را نفعی نباشد و بر ذمه مدیون ادای آن بعینه باشد»(نقل از دهخدا، ذیل مدخل سلف).
زکس به زیر سلف نیستم بحمدالله مگر زایزد و استاد صدر احرارم
(دیوان خاقانی: ۲۸۷)

نسخه های «ط» و «پا»، که با توجه به شواهد و فراین نسخه شناسی، نسخه های متأخرینند،
«زکس به دهر خجل نیستم» ضبط کرده اند و به سبب عدم درک معنای واژه به خطا رفته اند.
ضبط نسخه «ل»، «فروود سلف» میباشد که ضبطی ارجح بر ضبط هر سه نسخه است.

از بین چهار نسخه دیوان خاقانی، دخل و تصرف در واژه‌ها و تبدیل واژه‌های نامأنوس و کم‌کاربرد به واژه‌های آشنا و عدم دقت در معنای واژه‌ها، در نسخه «ط» بسیار بیشتر از دیگر نسخ است و این عامل به شدت از اصالت و اعتبار این نسخه میکاهد. در بیت زیر کاتب این نسخه، بدون دقت در معنای واژه، به اشتباه «مروقیست» را جایگزین «مزوقیست» کرده است. «مزوق» به معنای «آراسته و درست و منقش از هر چیزی» (دهخدا) با معنای بیت سازگار است و مروق بی معناست. قدرش مزوقیست بر این سقف لاجورد فرش رفوگریست بر این فرش با سبکان (همان، ۳۱۱)

قاعده کلی جایگزینی واژه‌های نامأنوس با واژه‌های آشنا در نسخه بدله‌ها، در بیت زیر نیز دیده میشود.

پروانه وار بر پی شیران نهند پی پر باید از کف‌لگه گوران کبابشان (همان، ۳۳۰)

نسخه‌های «پا و ط» با بی‌دقتی در معنی واژه «پروانه»، کلمه‌آشنای «روبه‌وار» را جایگزین کرده‌اند. پروانه «حیوانی گوشت‌خوار شبیه به یوز که در شمال آفریقا زید و گویند که پیدایش شیر رود و آواز کند تا جانوران آواز او شنیده خود را بر کنار کشند و شیر را با او الفتی عظیم است و پس مانده‌صید شیر خورد...» (لغت‌نامه دهخدا). این کلمه در بیت زیر نیز آمده است:

عادل غضنفری تو و پروانه تو من پروانه در پناه غضنفر نکوتر است (همان، ۷۶)

بخشی از ضبط‌های نادرست کاتبان نسخ دیوان خاقانی، مربوط به تصحیف‌هاست که رسم الخط گذشتگان نیز این خطا را تشدید می‌کرده است. در بیت زیر، بین ضبط صحیح نسخه «ل»، ناچخ سیمین و ضبط نادرست نسخه «مج» ناچخ زرین، اختلاف در تعداد نقطه‌ها بوده و این بدخوانی سبب کج‌فهمی نسخه «مج» شده است. بی‌اطلاعی از معنای واژه و عدم دقت در آن نیز عاملی دیگر در ضبط ناصحیح بوده است.

چون سپر زر مهر گشت نهان زیر خاک ناچخ سیمین ماه کرد پدید آسمان (همان، ۳۵۰)

ناچخ به معنای «۱ - تبرزین . ۲ - نیزه کوچک» (فرهنگ فارسی معین، ذیل مدخل ناچخ) بوده و اشکال رایج آن ناچخ، ناجق، نجق بوده و به شکل ناچخ کاربرد نداشته است.

در بیت زیر نیز آنچه سبب تصرف در ضبط بوده، عدم آشنایی کاتبان نسخ «مج» و «پا» با معنای واژه‌ها و بخصوص «بادریسه» بوده است. این دو نسخه «زان برگ بادریسه هنوزش نجسته بود» ضبط کرده و به خطا رفته‌اند.

ز آن بر که بادریسه هنوزش نخسته بود ای بادریسه چشم بگو تا چه خواستی
(همان، ۵۳۵)

«بر» به معنی سینه و بادریسه، بادریسه شدن پستان زن است (تاج المصادر بیهقی) که به عربی
ثدی مفلک گویند (نقل از دهخدا، ذیل مدخل بادریسه) بادریسه شدن، برآمدگی پستان در آغاز دوره
بلوغ است که سبب میشود مردم جوان را درد خیزد. شاعر در مصراع اول به کنایه «ترسیدن به سن
بلوغ» را ایراد کرده است.

در بیت زیر نیز نسخه «ط» با جایگزینی کلمه مشهور «مشک ختن»، دچار اشتباه شده و بدون
تأملی در معنای بیت، این ضبط را برگزیده است.

تا کی جگرم سوزی و در زلف به کار آری نه مشک خلق گردد چون با جگر آمیزی
(دیوان خاقانی: ۶۸۸)

حال آنکه ضبط «خلق» که ضبط نسخه «ل» و دیگر نسخ است با توجه به ساختار معنایی کلام
درست است. «خلق» به معنای «کهنه، پوسیده و مندرس» (عمید، ذیل مدخل خلق) است. این بیت
اشاره به «ناک دهی» دارد. دکتر ترکی در این باره مینویسد: «از کارهای کولیان قدیم این بوده که
مشک را با جگر سوخته مخلوط میکردند و ماده به دست آمده را به جای مشک خالص قالب
میکردند! به این کار «ناک دهی» میگفته اند. (شرح ابیاتی از خاقانی، ترکی: ۱۳۸۵)

در بیت زیر نیز «زندنجی» استعاره از برف است. در مورد پارچه زندنجی می آید: «پارچه
زندنجی در زنده از حومه های بخارا بافته و به نواحی دیگر صادر میشد. بنابراین نام آن صرفاً
انتساب مکانی است. جنس این پارچه از کرباس سفید بوده، ولی از نظر ارزش با پارچه های نفیس
دیبا برابری میکرد». (پارچه زندنجی، روح فر: ص ۷۲)

چون باد زندنجی کهسار برکشد بر خاک و خاره سندنس و خارا برافکند
(دیوان خاقانی: ۱۳۶)

نسخه های «ط» و «پا» با عدم درک معنای این واژه، «زندپیچی» و «زندنجی» ضبط کرده و در
متن اصلی تصرف کرده اند. در بیت زیر، عدم دقت نسخه «مج» در معنای واژه «سغبه»، سبب کج
فهمی بوده است؛

سخره او آفتاب سغبه او مشتری بنده او آسمان، چاکر او آفتاب
(همان، ۱۸۴)

نسخه «مج» به جای ضبط صحیح نسخه «ل» و دیگر نسخه ها که «سغبه او» میباشد، «شعبه
او» ضبط کرده که نادرست و نامربوط است. «سغبه» به معنای «فریفته و فریب خورده» (دهخدا)
با کلمات دیگر متن؛ سخره، بنده و چاکر تناسب معنایی دارد. خاقانی در بیت دیگر نیز این واژه را به
کار برده است:

دل سغبه عشق تست با تن مستیز و اینک دل و تن تراست با من مستیز
(همان، ۷۲۱)

ضبط نادرست بیت زیر نیز نشان از دانش اندک زبانی و ضیق گنجینه واژه کاتب نسخه «ط» دارد.
مرا شهنشه وحدت زداغگاه خرد به شیب مقرعه دعوت همی کند که بیا
(دیوان خاقانی: ۷)

شیب مقرعه به معنای: «دنباله تازیانه که رشته تازیانه باشد» (از برهان) (نقل از دهخدا، ذیل
مدخل شیب) میباشد.

نسخه «ط»، شیب و مقرعه ضبط کرده و بین این دو کلمه حرف عطف آورده که نادرست است.
این ترکیب در ابیات دیگر از خاقانی نیز آمده است.

گر توانی بهر شیب مقرعه اش زلف حوران هر چه پیرایی فرست
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۸۲۷)

جنبید شیب مقرعه صبحدم کنون ترسم که نقره خنگ به بالا برفاکنند
(همان، ۱۳۳)

در بیت زیر نیز ماندگی دو واژه «زقه» و «زفه» و عدم آشنایی با معنای واژه به تصرف ناآگاهانه
کاتب نسخه «مج» در نسخه اصل، دامن زده است.

روزها کم خور چو شبها نوعرو سان در زفاف زقه‌اشان از درای مطرب الحان دیده اند
(همان، ۹۰)

زقه به معنای «آب و دانه که طائر از گلو برآورد و در دهن بچه اندازد» (نقل از دهخدا، ذیل
مدخل زقه) میباشد و در اینجا به معنای مطلق غذاست. مصراع اشاره دارد به آواز و سرودی که اعراب
بادیه نشین برای شتران میخواندند تا سریعتر روند و در اصطلاح به آن «حدی» می‌گفتند. در بیت
زیر از سعدی به آن اشاره شده است:

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب چون ذوق نیست ترا کژطبع جانوری
(دیوان، سعدی شیرازی: ۵۴۸)

در بیت زیر نیز خطا در ضبط تصحیف، در نسخه «مج» دیده میشود. ضبط اصیل «باج» است و
«تاج» که ضبط نسخه «مج» میباشد، مصحف آن است.

باجگه دیدم و طیار و زاراسـتـگی عیش چون باج شد و کار چو طیار مرا
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۹)

عدم درک معنای بیت، سبب این ضبط بوده است. اصالت بدیعی نیز ضبط نسخه «ل»، را تایید
میکند. تناسبی که بین باجگه، طیار، باج و عیش وجود دارد.

در بیت زیر نیز دمای انجماد پایین سیماب (جیوه) مد نظر شاعر بوده است، بستن در اینجا به معنای منجمد شدن است.

همچو گوهر شکستش خوار است همچو سیماب بستنش دشوار
(همان، ۲۰۰)

نسخه «مج» بی اطلاع از این ویژگی جیوه، «سیلاب» ضبط کرده که نادرست است.

کنایات مشهور و ضرب المثلهای:

عدم آشنایی با برخی کنایات و ضرب المثلهای نیز، سبب خطا در ضبط شده است. در بیت زیر «اسب گلین»، رمز ناتوانی و مترادف با اسب نیین یا اسب چوبی است.

با من فلک به کین سیاووش و من زعجز اسب گلین به حرب تهمتن درآورم
(همان: ۲۱۰)

نسخه «مج»، «اسب جوین» ضبط کرده و به خطا رفته است. کاتب نسخه «ط» ترکیب آشنایی «اسی ز نی» را جایگزین کرده که نادرست است. اصالت ضبط نسخه «ل» در این مورد، نشانگر اصالت این نسخه است.

«اسب گلین» در بیت زیر از خاقانی نیز آمده است:

خوش نبود شاه دل اسب گلین زیر ران رخس بهر ای زر منتظر ران او
(همان، ۳۶۲)

«دنبه نهادن» کنایه از: «فریب دادن» است، برای شکار حیوانات اغلب دنبه در تله گذارند» (دهخدا، ذیل مدخل دنبه نهادن) در بیت:

شب را زگوسپند نهد دنبه آفتاب تا کاهش دقش به مکافا برافکند
(همان، ۱۳۶)

عدم آشنایی با این کنایه مشهور سبب شده تا نسخه «مج»، «زگوسفند نهد آفتاب وار» ضبط کرده و به خطا رود. کاربرد این کنایه در شعر خاقانی مسبوق به سابقه است و در بیت زیر نیز تکرار شده است:

ترا از گوسفند چرخ دنیا مینهد دنبه تو برگاو زمین برده اساس قصر و بنیانش
(همان، ۲۱۴)

«باد در کلاه بودن» یا «باد کلاه»، تعبیری کنایی به معنای «مغرور و متکبر بودن» (دهخدا مدخل باد در کلاه بودن) میباشد. عدم آشنایی با این تعبیر کنایی سبب لغزش در ضبط بوده است. نسخه «مج»، «باد کلام» ضبط کرده که بی معناست.

گرچه آتش سرم و باد کلاه نه پی تاجوری خواهیم داشت
(دیوان خاقانی، ۸۴)

در بیت زیر نیز عدم آشنایی با ضرب المثل معروف «المکثار کحاطب اللیل»، پرگویی چون خار کن به شب باشد. (امثال و حکم، دهخدا، ج ۱ ص ۲۷۳). سبب خطای کاتب نسخه «مچ» شده است. کردم اطناب و گفته اند مثل حاطب اللیل مطنب مکثار (دیوان خاقانی: ۲۰۷)

این نسخه، «حاطب اللیل» ضبط کرده که نادرست است.

خطا در ضبط بیت زیر نیز ریشه در ناآشنایی و عدم آگاهی کاتبان نسخ از تعبیر کنایی «آب در چشم نداشتن» است که به معنای بیحیایی و بیشرمی میباشد.

دیده شوخ ترا کشتن خلق آیین است تا کی این ظلم در آن دیده همانا نم نیست
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۶۲)

ضبط نسخه «ل» که «در آن دیده همانا نم نیست» میباشد، ضبط درستی است و بقیه نسخ «پا»، «ط» و «مچ» دچار اشتباه شده اند. پا و ط «کم نیست» و مچ «تم» نیست ضبط کرده که هیچکدام با معنای بین سازگاری ندارد و دخل و تصرف کاتبان آشکار است.

۲- انواع اشارات در دیوان خاقانی

از دیگر عوامل لغزش نسخه نویسان و خطا در ضبط، پشتوانه فرهنگی، گستره دانش خاقانی و اشارات مختلفی است که در دیوان وی وجود دارد. دیوان خاقانی مجموعه ای از اشارات مختلف نجومی، طبّی، فلسفی، دینی، کلامی، آیین ترسایی، تاریخی، اساطیری، عرفانی و صوفیانه، باورهای عامیانه، زبان و ادبیات عرب، فرهنگ عامه، بازیها (مثل شطرنج، نردو ..) را در بردارد و «میتوان برجسته ترین شاخص سطح فکری طریق غریب خاقانی را استفاده گسترده از همین اشارات و باورهای مختلف و متنوع دانست» (پژوهشی در داروهای حیوانی دیوان خاقانی، مهدویفر: ۱۰۰)

بر این اساس کاتبانی که بدون وجود دانش کافی در حوزه های مورد نظر، دیوان خاقانی را کتابت کرده اند، لغزشهایی داشته اند و به سبب عدم دانش کافی در برخورد با این اشارات، در نسخه اصلی دخل و تصرف کرده و شکل ضبط اصلی را تغییر داده اند و همانطور که در واژگان و کلمات کم کاربرد با اجتهاد خود تغییراتی داده اند، در این موارد نیز با دخالت دادن دانش نا کافی و ذوق شخصی خود، متن را تحریف کرده اند و آنچه را از اشارات، برای شان نامفهوم مینموده، تغییر داده اند.

اشارات صوفیانه:

خاقانیدید مثبتی نسبت به صوفیه دارد و بنابراین کاربرد صفت «خام نوش» برای این فرقه در بیت زیر، بعید مینماید. ضبط «خام نوش»، ضبط نسخه «پا» میباشد. این نسخه با بی دقتی در معنای دیگر واژه، که قسمی لباس صوفیانه است، «خام نوش» را جایگزین «خام پوش» کرده و به خطا رفته است.

در کتف فقر بین سوختگان خام پوش بر شجر لا نگر مرغدلان خوشنوا
(دیوان خاقانی: ۳۶)

در ابیات بعدی همین قصیده شاعر به لباس صوفیه اشاره دارد:

صاحب دل و عصا چون عمر و چون کلیم گنج روان زیر دلق مار نهان در عصا
(همان، ۳۶)

خاقانی در قصاید دیگری از دیوانش نیز به خام پوشی صوفیه اشاره دارد:

خام پوشند و همه اطلس پخته شمردند زهر نوشند و همه نوش هنیئا شنوند
(همان، ۱۰۲)

در بیت زیر نیز نسخه «ط» بی اطلاع از انواع پوشش صوفیه که «لام» نیز یکی از آنهاست، «لام» را به «بام» تحریف کرده و با دخل و تصرف نابجای خود «آفتاب بام»، ضبط کرده که نادرست است.

گاه از همه برهنه تر آید چو آفتاب پوشد برهنگان را چون آفتاب لام
(همان، ۳۰۱)

خرقه و پوشش صوفیه در دوره های متفاوت نامهای متفاوتی داشته است. در مفتاح النجات میآید: «خرقه به مرور زمان شکلهای دیگری به خود گرفت و به نامها و صفات گوناگونی معروف گشت از قبیل: «بادامه»، «دلق»، «دلق مرقع»، «خستوانه» و «لام» و... (مفتاح النجات، احمد جام: ص ۲۹۷). «لام» در اینجا مطلق لباس است. شاعر به این نکته اشاره دارد که آفتاب لباس برهنگان است. در ابیات دیگری نیز این مضمون تکرار شده است:

چو درویشی به درویشان نظر به کن که قرص خور به عریانان دهد زربفت چون ببیند عریانش
(دیوان خاقانی: ۳۰۱)

در بیت زیر نیز خطای کاتب نسخه «ط» در ضبط، ناشی از عدم آشنایی او با تصوف و اصول آن بوده است. این نسخه در بیت زیر:

از آنم به ماتم که زنده ست نفسم چو مرد از پسش هیچ ماتم ندارم
(همان، ۲۸۴)

به جای «نفسم» که ضبط نسخه «ل» و دیگر نسخه‌ها میباشد، «شخصم» ضبط کرده و به خطا رفته است. در این بیت از «مرگ اختیاری»، سخن رفته و بیت اشاره به حدیث مشهور و صوفیانه: «موتوا قبل أن تموتوا» (بمیرید پیش از آنکه بمیرید) (احادیث مثنوی، فروزانفر: ۱۱۶) دارد. اصطلاحات نرد:

در بیت زیر نیز عدم آشنایی با بازی نرد، سبب کج فهمی بوده است. «دغا» به معنای «دغل کاری در قمار» و «ناراست در قمار» میباشد.

دغا در سه شش بیش بینی ز یاران / چو یک نقش خواهی دغائی نیابی
(دیوان خاقانی: ۴۱۷)

و منطبق با معنای بیت است، نسخه «ط» به سبب عدم اطلاع، «وغا» ضبط کرده که نادرست است. نقش سه شش و نقش یک نیز از واژگان مرتبط با بازی نرد هستند که این نسخه با بی دقتی در تناسب موجود میان این واژگان و کلمه دغا، «وغا» را برگزیده است. ضبط درست، ضبط نسخه «ل» و دیگر نسخ است. این مضمون در بیتی دیگر از شاعر تکرار شده است:

دغا در سه و چار بینی نه در یک / من و نقش یک کز دغا میگیریم
(همان، ۲۹۰)

اشارات طبی:

دیوان خاقانی از لحاظ انعکاس باورهای طبی زمان شاعر بسیار غنی است و شاعر در مطاوی اشعارش به علل متفاوت، به این باورها اشاره کرده و مضامینی مرتبط با آن ساخته و پرداخته است. عدم آگاهی با اشارات طبی شاعر، سبب لغزش نسخه نویسان بوده است. در بیت زیر:

چو سل کرده باشی رگ آب تیره / بصر بسته توتیائی نیابی
(همان، ۴۱۸)

سل «عبارت از کشیدن رگهای چشم است بجهت بردن که با آلت مخصوص آن رگها را میکشند» و نسخه «ط» با بی اطلاعی از این بیماری چشم و طریقه درمان آن به اشتباه، «چو سل کرده باشی» ضبط کرده است. نسخه «مج» نیز، «آب دیده» ضبط کرده که نادرست است، چرا که برای درمان این بیماری شریانهای رگهای تیره را میگشودند تا آب سیاه از آن خارج شود نه آب دیده را. در بیت زیر نیز خاقانی اشاره به سل کردن و گشودن رگهای آب تیره دارد.

سل کرد بدست چابکی زود / هر مجری کآب تیره را بود

اشارات نجومی:

عدم آگاهی از اشارات نجومی در شعر خاقانی نیز، سبب خطای کاتبان شده است. «به جرأت میتوان ادعا کرد که در بین شاعران زبان فارسی که از اصطلاحات نجومی در شعر خویش استفاده

کرده اند، خاقانی هم از نظر اطلاع بر دانستنیهای این علم و هم از نظر به کارگیری هنری و ادبی آنها در شعر مقامی ممتاز و بی بدیل دارد» (بازتاب علم نجوم در شگردهای تصویرگری خاقانی، بهنام فر و محمدی: ۴۷)

در بیت زیر آنچه سبب خطای کاتب نسخه «ط» بوده، عدم آشنایی او با باورهای نجومی در شعر خاقانی است.

رخش بهراً بتا خت بر سر صفر آفتاب رفت بچرب آخوری گنج روان در رکاب
(دیوان خاقانی: ۴۲)

صفر در نجوم علامت برج حمل است و منجمان برای هر یک از بروج دوازدهگانه از حروف ابجد علامتی وضع کرده اند؛ «حمل: ۰؛ ثور: ۱؛ جوزا: ۲؛ سرطان: ۳؛ اسد: ۴؛ سنبله: ۵؛ میزان: ۶؛ عقرب: ۷؛ قوس: ۸؛ جدی: ۹؛ ط: ۱۰؛ دلو: ۱۱؛ حوت: ۱۲». صفر برج حمل است که شرف شمس در آن است (التفهیم لأوائل الصنعة التنجیم، ابوریحان بیرونی: ۳۹۷)

نسخه «ط» بی اطلاع از این باور نجومی «بر سر صبح» ضبط کرده است. در بیت زیر نیز خاقانی برج حمل را به حرف صفر تشبیه کرده است:

از حرف صولجان فش زیرش دو گوی ساکن آمد چو صفر مفلس در صفر شد توانگر
(دیوان خاقانی: ۱۹۱)

عدم آشنایی عمیق با اصطلاحات نجومی مطرح در شعر خاقانی در بیت زیر نیز سبب کج فهمی بوده است.

بازگردم چو ستاره که شود راجع از آنک مستقیم ره امکان شدنم نگذارند
(دیوان خاقانی: ۱۵۴)

«بازگردم» ضبط دقیق و درستی است و اشاره به اصطلاح «راجع» در نجوم دارد. کاتب نسخه «مج» با ضبط «یاد کردم» در نسخه اصلی دخالت کرده و شکل اصلی را تغییر داده است. اصالت بدیعی؛ تناسب بین راجع و بازگردم نیز ضبط نسخه «ل» را تأیید میکند.

نسخه «مج» در بیت زیر نیز با بی دقتی در باور نجومی، «نیش و پرن» را جایگزین ضبط اصیل «نعش و پرن» کرده است.

در نعش و پرن زنند طعنه نظم تو و نثرت ای خداوند
(همان، ۷۷۳)

بر اساس باور عامیانه نجومی، پرن یا پروین یا خورشیدشان اجتماع و نظم و نعش (بنات النعش) نشان پراکندگی و نثر است و «در اعتقاد عامه پروین نمودار جمعیت به خلاف دب اکبر [بنات النعش] که نشانه تفرقه است. نگریستن به پروین موجد جمعیت خاطر و نظاره هفت اورنگ (دب اکبر)

سبب تفرقه و پری‌شانی فکری و کم شدن قوای بدنی تصور می‌شده است. «فرهنگ اصطلاحات نجومی، مصفی: ۱۰۴».

باورهای عامیانه:

داد به هریک چمن خلعتی از زر سرخ خلعه نوردش صبا رنگرزش ماهتاب
(دیوان خاقانی: ۴۲)

در دوره خاقانی «اعتقاد عامه بر این بود که ماه به گلها رنگ میدهد و بر مبنای این باور، شاعران پارسی به ماه صباغ و مشاطه گلها نام داده‌اند.» (فرهنگ اصطلاحات نجومی، مصفی: ۶۹۶) ولی نسخه «ط» بدون آگاهی از این باور عامیانه به جای «ماهتاب» که ضبط درستی است، «آفتاب» ضبط کرده که نادرست است. در ابیات زیر از خاقانی نیز به رنگرزی ماهتاب اشاره شده است:

خامه مانی است طبع، چهره‌گشای بهار نایب عیسی است ماه، رنگرز شاخسار
(دیوان خاقانی: ۱۷۹)
هر فرش سقلاطون که مه صباغ او بوده سه مه از آتش گردون، سیه چون داغ قصار آمده
(همان، ۳۹۱)

در بیت زیر نیز نسخه «ط» تصرف نابخجایی در ضبط «خروش» به جای «خروس» داشته است که این ضبط نادرست ریشه در ناآگاهی از باوری خرافی داشته است.

عقل گریزان زهمه کز خروس نیک گریزد دل شیر ژبان
(همان، ۳۴۲)

این باور خرافی، ترس شیر از خروس است که در عجایب المخلوقات به آن اشاره شده است: «والدیک الابيض يهرب منه الاسد» (عجایب المخلوقات، قزوینی: ۴۱۳) در بیت زیر از خاقانی نیز به این باور اشاره شده است:

سحردم او شکست رونق گویندگان چون دم مرغان صبح نیروی شیران غاب
(دیوان خاقانی: ۴۹)

باورهای دینی و اشارات دینی و قرآنی:

کاتبان برخی نسخ به خاطر اطلاعات کم دینی در ضبط، دچار اشتباه شده‌اند. در بیت زیر ضبط دقیق، «جوی شراب» میباشد.

اینهمه نورستگان بچه حورند پاک خورده گه از جوی شیر گاه جوی شراب
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۴)

بیت اشاره به چهار جوی بهشت دارد: «مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن و انهار من لبن لم يتغير طعمه و انهار من خمر لذه لشاربين و انهار من عسل يصفى» (سوره مبارکه

محمد، آیه ۱۵): توصیف بهشتی که به پرهیزکاران و عده داده شده چنین است که در آن نهرهایی از آب صاف و خالص است که بدبو نشده و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته و نهرهایی از شرابی طهور که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفی است.

نسخه «پا» بی اطلاع از این اشاره قرآنی در بیت «جام شراب» ضبط کرده که نادرست است.

ضبط نادرست بیت زیر نیز ناشی از عدم دقت در معنای آیه ۱۴۳ اعراف میباشد.

موسی استاده و گم کرده ز دهشت نعلین ار نی گفتنش از بهر تجلا شـ نونند
(دیوان خاقانی: ۱۰۳)

در این آیه، حضرت موسی در خواست رویت خداوند را دارد و «از بهر تجلا» و «برای تجلی» ار نی میگوید. حال آنکه نسخه «ط»، «از نور تجلی» ضبط کرده که اشتباه است.

شیوه زندگی و ویژگیهای زندگی قدما و رسم و رسوم گذشته:

در بیت زیر نیز شاعر باریک بین اشاره به رسمی در بین اعراب دارد که طوقی از هسته خرما بر گردن کودکان می آویختند. در دوره های بعد کاتبان به سبب ناآگاهی از این رسم رایج عرب و برخی احساسات ملی گرایانه، در ضبط، دخل و تصرفهایی داشته اند.

ای که مردان عرب پیشست چو طفلان عجم طوق در حلقند و نامت تاج مفر ساختند
(همان: ۱۱۵)

ضبط درست، ضبط نسخه «ل»، «ای که مردان عجم پیشست چو طفلان عرب» میباشد. در این مورد نیز اصالت این نسخه، اثبات میشود؛ چرا که ایدئولوژی نقشی در تغییر و تصرف در این نسخه نداشته است. خاقانی در بیتی دیگر نیز به این رسم رایج عرب اشاره داشته است:

فلک چون طفل عرب طوق دار شد زهلال که چون غلامان حبش داغ برک شیده او ست
(همان، ۸۲۳)

گذشتگان برای خوشبویی و مفرح بودن زعفران، در شراب، مشک و زعفران میریختند. در بیت زیر عدم آشنایی با این رسم سبب کج فهمی و ضبط نادرست بوده است.

بار مشک است و زعفران در جام پس خط جام چون خط طیار
(دیوان خاقانی، ۱۹۵)

نسخه «مچ»، با دخالت در ضبط اصلی «باده مشک است زعفران» ضبط کرده است. ضبط اصلی، ضبط نسخه «ل»، «بار مشک است و زعفران» میباشد.

در بیت زیر نیز آنچه سبب خطای کاتب نسخه «مچ» بوده، عدم اطلاع از رسم و رسوم و باورهای رایج عصر خاقانی بوده است.

بلبله برداشت زود کرد پس آنکه سلام گفت بود سه شراب داروی درد خمار
(همان، ۱۸۲)

گذشتگان «عقیده داشتند برای رفع خماری سه جام شرابی در پیکه آن را ثلثه غسالهمیگفته اند، باید نوشید» (آینه جام، زریاب خویی: ۱۲۶) نسخه «مج»، به اشتباه «گفت بود شراب داروی گرد خمار» ضبط کرده است. این دخالت در ضبط با تکیه بر ذوق شخصی، نشان از عدم اصالت نسخه «مج» دارد. خاقانی در بیتی دیگر نیز به این رسم اشاره کرده است:

چون سه قدح کرد نوش درج گهر برگشاد قند فشان شد زلب آن صنم قندهار
(دیوان خاقانی: ۱۸۳)

اشارات تاریخی:

در بیت زیر نیز عدم آشنایی با اشارات تاریخی سبب ضبط نادرست بوده است. کاتبان نسخه های «پا» و «ط»، «دفتر اعیانی» ضبط کرده و دچار اشتباه شده اند.

از این زبان درافشان چو دفتر افشین مرصع است به گوهر هزار طومارم
(دیوان خاقانی: ۲۸۷)

دفتر افشین یا کتاب افشین، کتابی آراسته به طلا بوده است. در تاریخ طبری در این مورد می آید: «محمد [بن عبدالملک] گفت: آن کتاب چیست که به نزد تو هست و آن را با طلا و گوهر و ابریشم آراسته ای که در آن کفر خدا هست؟ گفت این کتابی است که از پدرم به ارث برده ام و چیزهایی از نوشته های عجم هست ... کتاب را آراسته یافتم و حاجتم وادار نکرد که زیور از آن بگیرم و آن را چنانکه بود واگذاشتم، چون کتاب کلیله و دمنه و کتاب مزدک که در خانه تو هست. گمان ندا شتم که این از اسلام برون میبرد!» (تاریخ الرسل و الملوک، طبری، ج ۱۳: ۵۹۲۶) بر این اساس، ضبط نسخه های «ل» و «مج» که دفتر افشین میباشد، دقیق و درست است.

نتیجه

با بررسی علمی و انتقادی نسخ دیوان خاقانی و ارزیابی این نسخه ها بر اساس ویژگیهای زبانی شعر خاقانی و اشارات و تلمیحات مختلف، اعتبار و اصالت این نسخه ها و یا عدم اصالت نسخ روشن میگردد. با بررسی نسخه های «ل»، «مج»، «پا» و «ط» بر اساس معیارهای مذکور و رعایت آن، حدود دخل و تصرف کاتبان در نسخ متفاوت دیوان خاقانی آشکار میگردد. دخالت و تصرف نسخه های «مج»، «ط» و «پا» در ضبطها بسیار است و کاتبان این نسخ به سبب بی اطلاعی از واژه های شعری خاقانی و ضیق دایره لغوی و عدم آشنایی با برخی واژه ها و عدم درک معنای آن، آنها را تغییر داده و با واژه هایی دیگر که مانوستر و آشناتر بوده اند، جایگزین کرده اند و بدین شکل ضبط اصلی را تغییر داده اند. بی دقتی در ضبطهای این نسخه ها چنان بوده که در برخی موارد در ضبط لغات، تعبیرات، کنایات و ضرب المثلهای مشهور نیز دچار لغزش شده اند و این عامل از اعتبار و اصالت این نسخه ها کاسته و دخالت و تصرف عمدی و سهوی در این نسخه ها را آشکار کرده است.

علاوه بر این سه نسخه مذکور در بسیاری موارد که در متن مقاله به آن پرداخته شده است به سبب عدم آشنایی با اشارات و تلمیحات مختلف علمی، فرهنگی، دینی و عرفانی، اساطیری، فرهنگ عامه و شیوه زندگی و ... دچار خطا شده اند و متن اصلی را منطبق با درک متن شناسی و ذوق شخصی خود تغییر داده اند و برای رسیدن به معنای مورد نظر خود آن را تحریف کرده اند. این دخل و تصرف نابجا سبب ابهام معنایی و در برخی موارد عدم انتقال وجه زیبایی شناسانه شعر خاقانی شده است. بررسی و پژوهش حاضر با تکیه بر زبان شعر خاقانی و انواع اشارات و تلمیحات شعری وی نشان داد که از میان نسخ موجود خاقانی، نسخه لندن از این لحاظ معتبرترین و اصیلترین نسخه است و ضبطهای این نسخه با توجه به معیارهای فوق، بر دیگر ضبط ارجحیت دارد و پژوهش حاضر اصالت و اعتبار این ضبطها و به تبع آن اصالت نسخه لندن را تأیید و اثبات میکند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آینه جام ، زریاب خوبی، عباس (۱۳۷۴) ، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی
۳. احادیث مثنوی ، فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۰)، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۴. التفهیم لأوائل الصنعة التنجیم ، ابوریحان بیرونی (۱۳۱۸) ، جلال الدین همایی، تهران: مجلس
۵. امثال و حکم ، دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳) ، تهران، انتشارات امیرکبیر
۶. «بازتاب علم نجوم در شگردهای تصویرگری خاقانی»، بهنام فر، محمد و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۸)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۷، شماره ۶۶، صفحات ۴۵-۷۶
۷. «پارچه زندیچی»، روح فر، زهره (۱۳۸۵) ، گلستان هنر، شماره ۳، بهار ، صفحات ۷۹-۷۱
۸. «پژوهشی در داروهای حیوانی دیوان خاقانی»، مهدویفر، سعید (۱۳۹۲) ، متن شناسی ادب فارسی ، سال چهل و نهم، دوره ۵ ، شماره ۴، صفحات ۱۲۰-۹۹
۹. تاریخ بیهقی ، بیهقی ، ابوالفضل (۱۳۲۴) ، باهتتمام دکتر غنی-دکتر فیاض، تهران: چاپخانه بانک ملی
۱۰. تاریخ الرسل و الملوک ، طبری، (۱۳۶۹) ، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم ، تهران: نشر اساطیر،
۱۱. تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و دینی در اشعار خاقانی ، اردلان جوان، سید علی (۱۳۷۳)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
۱۲. تفسیر المیزان ، طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) ، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۳. «تصحیح چند تصحیف درقصاید خاقانی»، مهدویفر، سعید و صالحی مازندرانی، محمدرضا (۱۳۹۱) ، کهن نامه ادب پارسی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحات ۱۰۶-۸۹
۱۴. دیوان ، سعدی، (۱۳۸۶) ، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم
۱۵. دیوان غزلیات ، حافظ (۱۳۶۶) ، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: نشرصافی علیشاه، چاپ چهارم
۱۶. شرح ابیاتی از خاقانی ، ترکی، محمدرضا (۱۳۸۵) ، ۱، <http://www.mr-torki.ir/1385/08>

۱۷. عجایب المخلوقات و غراب الموجودات ، قزوینی ، زکریا بن محمد (۲۰۰۶) ، محقق قاضی محمد بن یوسف، قاهره: ناشر مکتب الثقافه الدینیة
۱۸. «عرفان خاقانی»، معدن کن، معصومه (۱۳۸۱)، نشریه زبان و ادب فارسی دوره ۴۵، شماره ۱۸۵، صفحات ۲۱-۷
۱۹. فرهنگ اصطلاحات نجومی، مصفی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، چ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
۲۰. فرهنگ فارسی ، معین، محمد (۱۳۹۱)، چ ۲۷، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۱. فرهنگ فارسی عمید ، عمید، حسن (۱۳۶۳)، تهران: انتشارات امیرکبیر
۲۲. لغت نامه ، دهخدا، (۱۳۷۷) ، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: نشر دانشگاه تهران
۲۳. مفتاح النجات ، شیخ الاسلام احمد جام (۱۳۴۷) ، تصحیح دکتر علی فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
۲۴. مقدمهٔ الادب ، زمخشری خوارزمی، ابوالقاسم محمود (۱۳۸۷)، از روی چاپ لیپزیک آلمان، مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل
۲۵. نقد و تصحیح متون ، مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) ، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس
۲۶. نظامی، (۱۳۶۶)، کلیات خمسه حکیم نظامی ؛ [بی نام تصحیح]، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر